

## روایتی از روح

شرح رفتار شما با روح

حسین سلیمانی



۱۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رهنما ۱۱۳ (روایتی از روح)

نویسنده:

حسین سلیمانی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	رهنما ۱۱۳ (روایتی از روح)
۸	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۵	دریچه
۱۷	درآمد
۱۹	فصل اول: زمین کشاورزی ام را سالم می‌خواهم
۱۹	اشاره
۲۱	سلامت دل
۲۲	پنجره
۲۳	پنجره
۲۵	پنجره
۲۶	پنجره
۲۷	فصل دوم: گل!
۲۷	اشاره
۲۹	هدف از زندگی
۳۰	پنجره
۳۱	پنجره
۳۲	پنجره
۳۲	پنجره
۳۵	فصل سوم: نردبان خیلی کوچک خاکستری!
۳۵	اشاره
۳۷	فکر و دانش
۳۸	پنجره

۳۹	پنجره
۴۰	پنجره
۴۱	پنجره
۴۳	فصل چهارم. می خواهیم به جنگ بروم!
۴۳	اشاره
۴۵	کار و تلاش
۴۵	پنجره
۴۶	پنجره
۴۷	پنجره
۴۸	پنجره
۴۹	فصل پنجم. برای آخرین بار
۴۹	اشاره
۵۱	یاد کردن از مرگ
۵۲	پنجره
۵۳	پنجره
۵۴	پنجره
۵۵	پنجره
۵۷	فصل ششم. $10 \times + - = \div$
۵۷	اشاره
۵۹	محاسبه نفس
۶۰	پنجره
۶۱	پنجره
۶۲	پنجره
۶۳	پنجره
۶۴	خلاصه
۶۵	بیشتر بخوانیم



سرشناسه: سلیمانی، حسین، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: روایتی از روح: شرح رفتار شما با روح / حسین سلیمانی؛ تهیه و تنظیم اداره پاسخ گویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی؛ به کوشش محمدحسین پورامینی؛ ویراستار زهرا مولایی؛ [برای] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۰ص: مصور (رنگی).؛ ۱۷×۱۱ س.م.

فروست: به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۲۰۸.

رهنما؛ ۱۱۳.

شابک: ۴۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۷۱۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ قبلی: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: شرح رفتار شما با روح.

موضوع: روح

موضوع: Soul

موضوع: روح -- احادیث

موضوع: Soul -- Hadiths

موضوع: روح -- جنبه های قرآنی

موضوع : Soul -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده : پورامینی، محمد حسین، ۱۳۵۴ - ، گردآورنده

شناسه افزوده : Pouramini, Muhammad Husayni

شناسه افزوده : مولایی، زهرا، ۱۳۶۵ - ، ویراستار

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سئوالات دینی و اطلاع رسانی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده : Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications)

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۲/س ۹۸ ۱۳۹۶

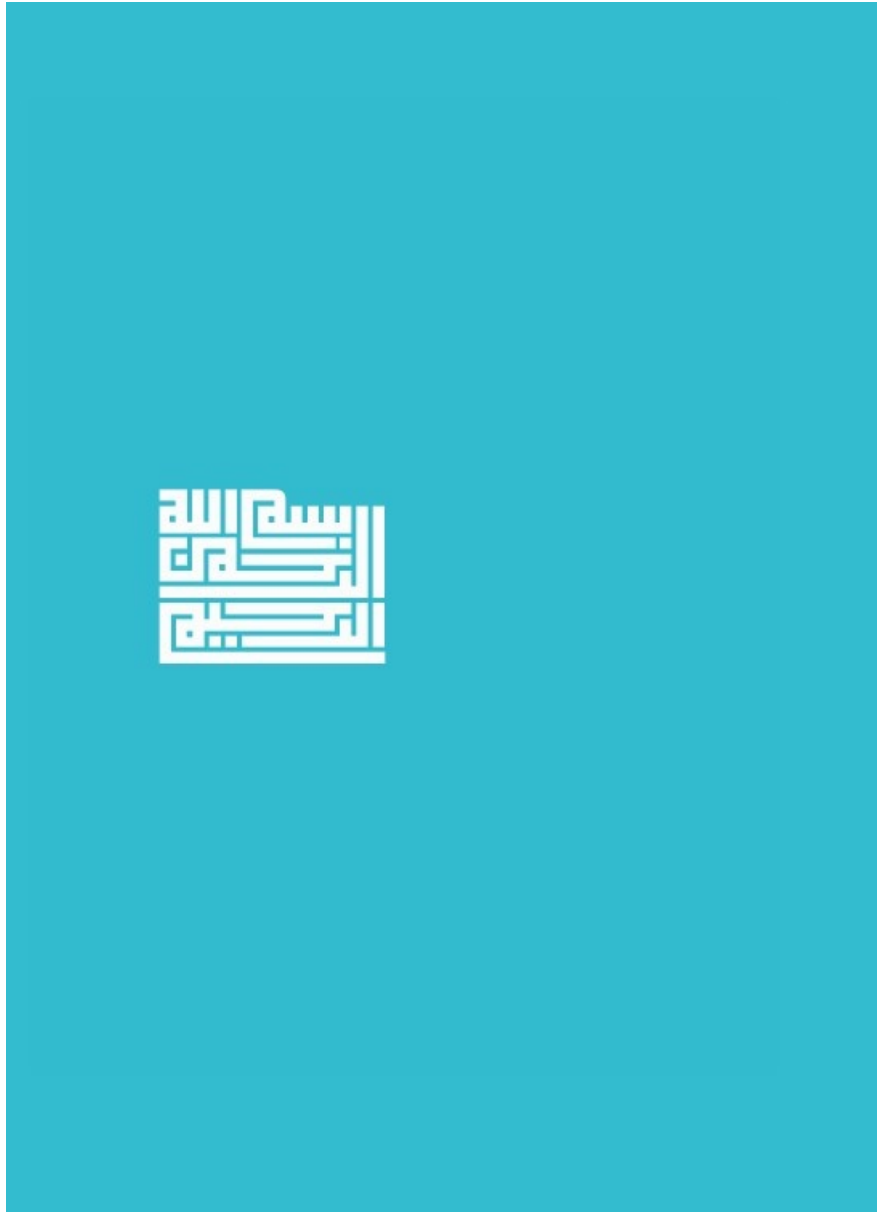
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

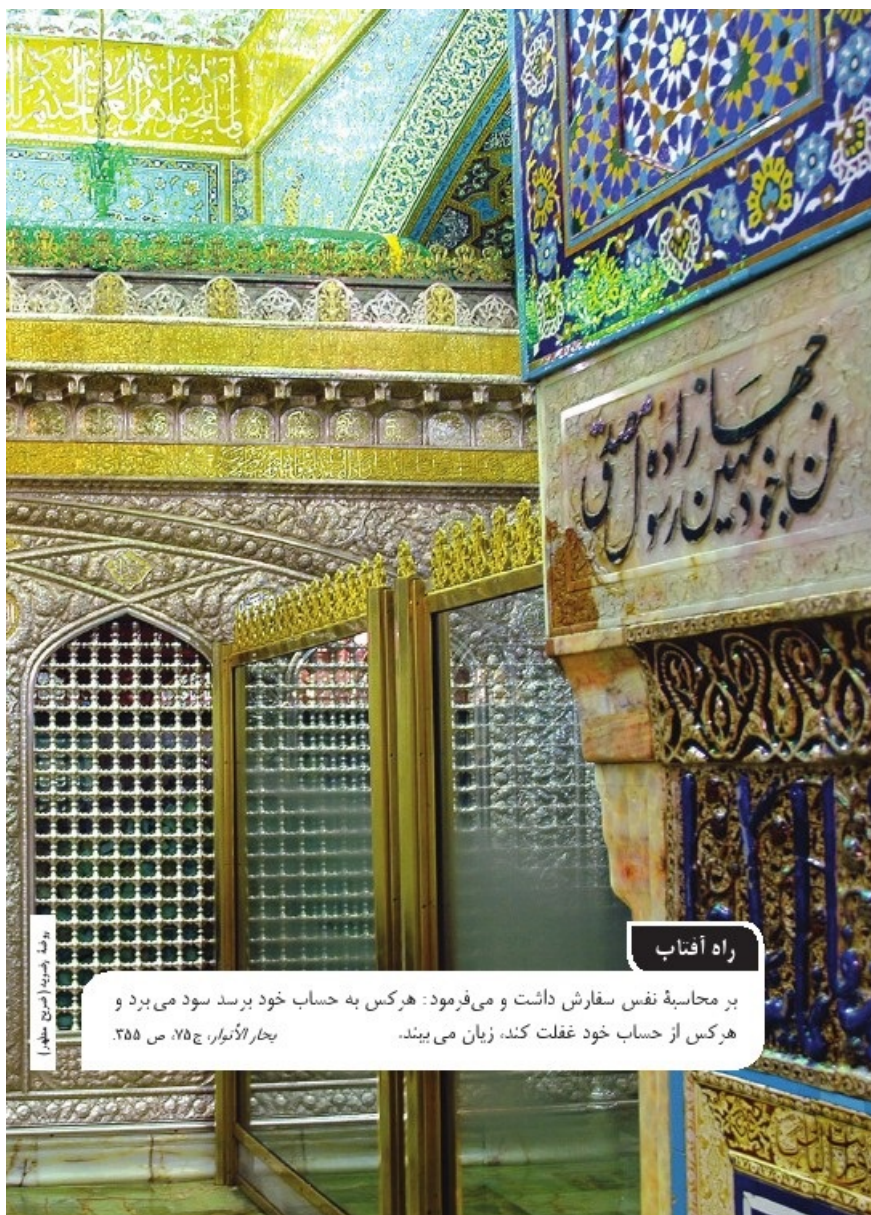
شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۲۷۰۴۱

رهنما ۱۱۳

ص: ۱







راه آفتاب

بر محاسبه نفس سفارش داشت و می فرمود: هرکس به حساب خود برسد سود می برد و هرکس از حساب خود غفلت کند، زیان می بیند.

بخار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۵۵

رنگ: تصویر (شرح طهارت)

روایتی از روح؛ شرح رفتار «شما» با «روح»

حسین سلیمانی





### دریچه

به روح فکر می‌کنی و به رابطه‌ات با "او"

از خودت سوال می‌کنی :

۱- سلامت روح چیست و چگونه باید روح را سالم نگه داری؟

۲- چگونه روح را رشد دهی و بزرگش کنی؟

۳- یاد کردن از مرگ چه نقشی در تعامل تو با روح دارد؟

۴- اگر محاسبه نفس را انجام دهی چه تاثیری بر روح می‌گذارد؟

۵- و به طور کلی رفتارت با روح چگونه باید باشد؟

"روایتی از روح" فرمول‌هایی هستند

در جهت پاسخ به سوالات بالا و شرح رفتار "تو" با "روح" بر اساس مبانی اسلام.



یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن ... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است.

تغذیه، ورزش، آب و هوا، تفریح و هرچه را که می گویند برای نگهداری از جسم و بدن لازم است، می گذاری کنار هم و نگاهشان می کنی. بهشان فکر می کنی و در تک تک شان تأمل. راضی ات نمی کنند، چیزی که می خواهی برای نگهداری از گوشت، پوست، خون و استخوان نیست که محتاج تغذیه، ورزش و... باشد. «تو» به دنبال چیز دیگری هستی از جنسی متفاوت. چیزی برای نگهداری از روح

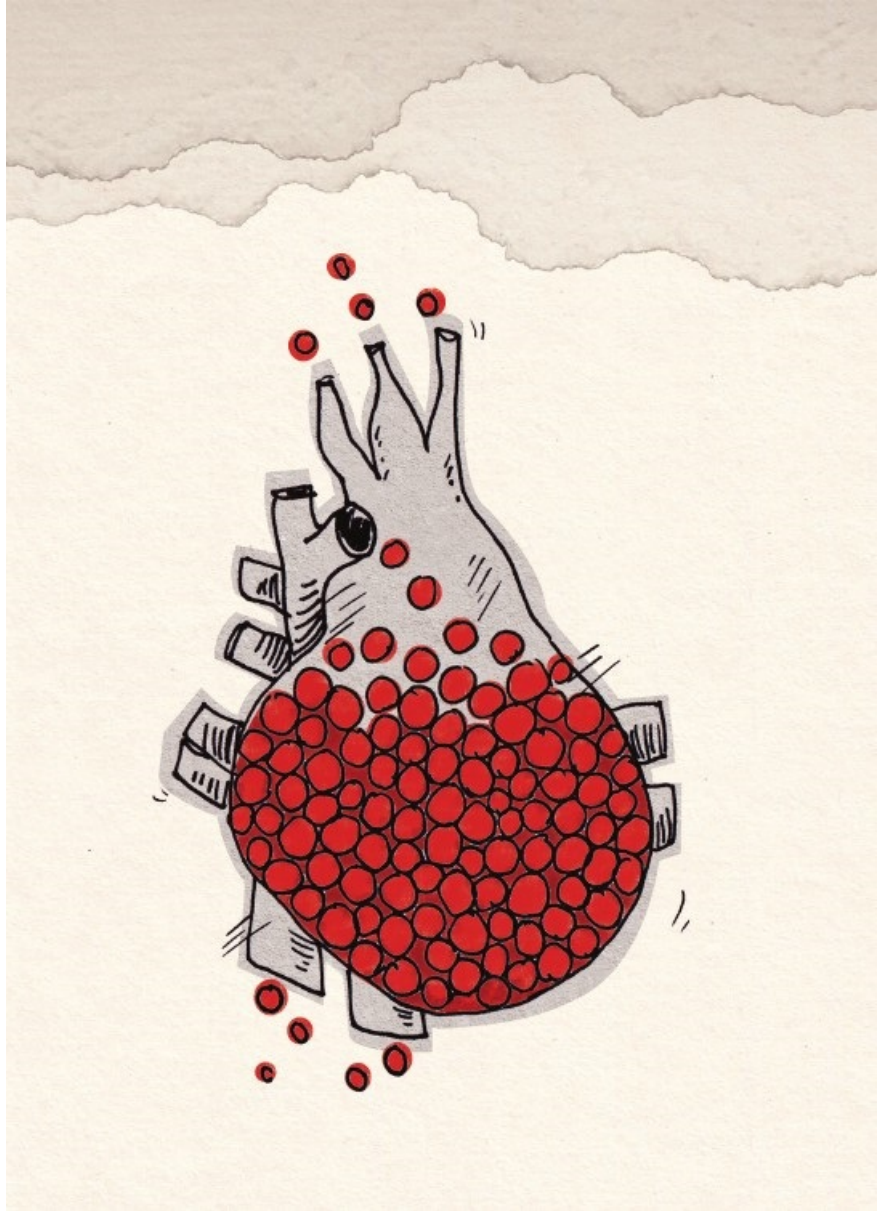






زمین کشاورزی ام را سالم می خواهیم

فصل اول



وجود زمین سالم و به دور از آفت، جزء اصول کشاورزی است؛ نمی شود روی زمینی که آفت دارد، خراب است، مشکل زراعت دارد و کشاورزی در آن ممکن نیست، کشاورزی کرد، مگر اینکه آن زمین را تبدیلش کنیم به یک زمین سالم.

یک کشاورز عاقل، هیچ وقت وقت و نیرویش را و همین طور بذرهایی را که به زحمت به دست آورده، برای زمینی آفت زده و شوره زار هزینه نمی کند و به این زمین اعتماد نمی کند؛ چون در چنین زمینی گیاه مورد نظر او رشد نخواهد کرد.

نه فقط در کشاورزی که در باقی مسائل هم همین طور است؛ مثلاً یک خطاط بر روی کاغذی خراب که خط را از بین می برد، جوهر، قلم و هنر خود را فدا نمی کند؛ چرا که در چنین کاغذی خط به زیبایی قرار نمی گیرد. دقیقاً همین مطلب درباره دل آدمی هم هست؛ دل آدمی باید سالم باشد تا آباد شود و آباد کردن دل، سخت ترین و مهم ترین آبادانی است:

هیچ آباد کردنی به پای آباد کردن روان انسان و فکر انسان - که در حقیقت راه آینده او را ترسیم می کند - نمی رسد ... فکر و روان انسان، عزیزترین پدیده این عالم وجودی است که ما آن را تاکنون شناخته ایم ... اگر فکر انسان ها و روح آنها - که دو مقوله است - درست شد، همه چیز درست خواهد شد. (۱)

وقتی دل معیوب باشد و دارای سلامت نباشد، معارف الهی و حرف های خوب درونش به درستی جا نمی گیرند؛ مثل همان زمین کشاورزی که آفت زده. انگار که گناه در آن زمین شوره و آفت شده و اجازه نمی دهد گیاه به درستی رشد کند.

راهش چیست؟ راه اینکه دل و روان آدمی دارای سلامت باشد، چیست؟

اینکه دل و روان آدمی سالم شود، مثل خیلی مسائل دیگر نیازمند استفاده کردن از فرمولی خاص دارد؛ فرمولی که به وسیله آن و با عمل کردن به آن، دل آماده می شود برای اینکه معرفت درونش قرار بگیرد؛ مثل یک زمین کشاورزی شخم زده و آماده زراعت. خیلی وقت ها اثر نکردن معارف بر روی دل ما دلیلش همین استفاده نکردن از فرمول

ص: ۱۴

---

۱- . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارکنان وزرات آموزش و پرورش، ۵/۵/۱۳۷۷.

## پنجره

«دوری از گناه + توبه - خنده زیاد - گفت و گوی بی حاصل + همنشینی با مؤمنان + عبادت = سلامت دل»

اگر انسان می خواهد دلش شوره زار نشود و آفت نزند و آماده کشت معرفت باشد، لازم است گناه نکند؛ گناه، بدترین درد برای قلب است. (۱) گناه مثل این می ماند که بخواهید روی تخته سیاهی که تماماً پُر شده از نوشته و هیچ جایی برای نوشته جدید ندارد، چیزی بنویسید. واضح و مشخص است که تا وقتی تخته پُر است، نمی شود روی آن مطلب جدیدی نوشت و لازم است نوشته های قبلی پاک شوند. چگونه می شود نوشته های قبلی را پاک کرد؟! راهش توبه است. توبه مثل تخته پاک کن می ماند و هرچقدر واقعی تر باشد، تخته را پاک تر و تمیزتر می کند.

کار بعدی، زیاد نخندیدن است؛ خنده با تبسم فرق دارد. اینکه انسان در برخورد با مردم، همیشه لبخند به صورت داشته باشد، با اینکه مدام در حال خنده و شوخی باشد، با یکدیگر فرق دارند. قطعاً تبسم به لب داشتن و برخورد خوب با مردم، کار درستی است؛ اما مشکل سر خنده

ص: ۱۵

---

۱- . امام علی می فرمایند: هیچ دردی بر دل ها دردناک تر از گناهان نیست (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۵).

و شوخی زیاد است . نکته اینجاست که خنده و شوخی زیاد، دل انسان را می میراند(۱) و قطعاً دلِ مرده مثل زمین مرده می ماند و پذیرشی برای معرفت و کشاورزی معرفت نخواهد داشت . گفتگوی بی حاصل هم مثل خنده زیاد است، گفتگوهای بی حاصل سهم بسیار زیادی در شوره زار کردن دل آدمی و بیمار کردن قلب ها دارد.(۲)

البته باید به یک نکته دیگر هم حواسمان باشد ، آن هم اینکه فکر نکنیم این گفتگوها فقط شامل این است که دو یا چند نفر روبه روی یکدیگر بنشینند و بی مورد، بی دلیل و بدون هدف صحبت کنند، خیر! این گفت و گوها شامل صحبت کردن در فضای مجازی، صحبت کردن پیامکی و هر روش دیگری از گفت و گو که محتوای آن بی حاصل باشد می شود.

زیاد پیش می آید که انسان ها بی هدف در فضای مجازی می چرخند و می چرخند و می چرخند و بی مورد با این و آن حرف می زنند و بعد از مدت ها، تازه متوجه می شوند چقدر از زمان و عمرشان را پای این گفتگوی بی حاصل گذاشته اند که می شد آن را صرف کارهای مفید کرد .

گفتگوی بی حاصل را که از زندگی حذف کردیم، باید با انسان های مؤمن بیش از قبل هم کلام و هم نشین باشیم. اینکه کنارشان قرار

ص:۱۶

---

۱- امام صادق می فرمایند: خنده زیاد قلب را می میراند (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۴).

۲- امام علی می فرمایند: از گفت و گوی بی حاصل بترس که قلب ها را بیمار می کند (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۰).

می گیریم، خود به خود باعث پیشرفت می شود، به هر حال نکته ای دینی می گویند، عملی دینی و اخلاقی انجام می دهند، رفتاری مناسب از خودشان به نمایش می گذارند و... و همه اینها برای ما می شود درس و کمک می کند که دلمان شوره زار نشود و آباد شود. (۱)

این موارد به همراه یاد خدا و عبادت کردن، مثل آفت زدایی از دل می ماند، مثل شخم زدن دل می ماند، مثل آماده کردن کامل زمین دل برای کشاورزی و وقتی دل آماده و نرم شود، می شود زمینی سالم و خوب برای دریافت معارف و خدا هرچه دل آماده تر و شخم زده تر باشد، بیشتر و بیشتر توفیق می دهد که درون دلمان معرفت بکاریم و در نهایت، زمین کشاورزی دلمان آباد شود. (۲)

کشت هرچیزی فصلی دارد و واقعیتش این است که ما همه این کارها را می کنیم که دل آماده شود و نشاط داشته باشد برای عبادت و وقتی دل نشاط داشت، فصل عبادت فرار سیده است.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ ... نَشَاطًا وَفُتُورًا ... فَخُذُوهَا عِنْدَ ... نَشَاطِهَا،

برای دل ها نشاطی است و ضعفی؛ پس زمانی که با نشاط اند، به آنها چنگ زنید [و در عبادات به کارشان بگیرید]. (۳)

ص: ۱۷

---

۱- امام علی می فرمایند: دیدار با اهل معرفت، دل ها را آباد می کند (غررالحکم، ص ۴۳۰).

۲- امام علی می فرمایند: تو را سفارش می کنم به آباد کردن دلت به وسیله یاد خدا (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۱).

۳- بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵.



خلاصه که این فرمول کمک می کند مزرعه دل، آفت زده و شوره زار و خراب نشود، که این مزرعه و زمین دل آفت زده به هیچ دردی نمی خورد، جز اینکه رویش به جای معرفت گناه روییده شود و یکی از چیزهایی که به خوبی این مزرعه آفت زده را شفا می دهد، قرائت قرآن است.

## پنجره

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ.

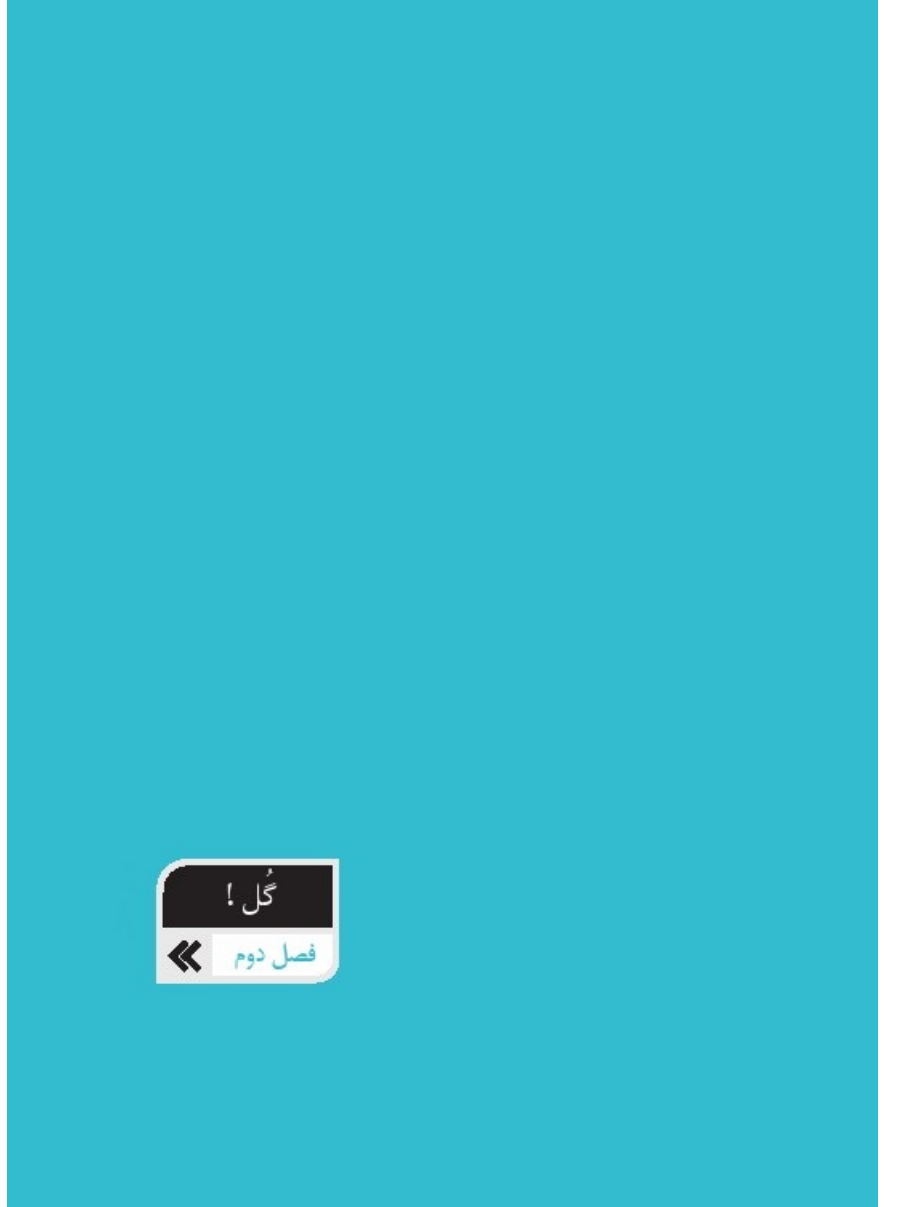
ای مردم! «قرآن» از ناحیه پروردگارتان «به عنوان» موعظتی و شفای قلبی و هدایتی برای عموم

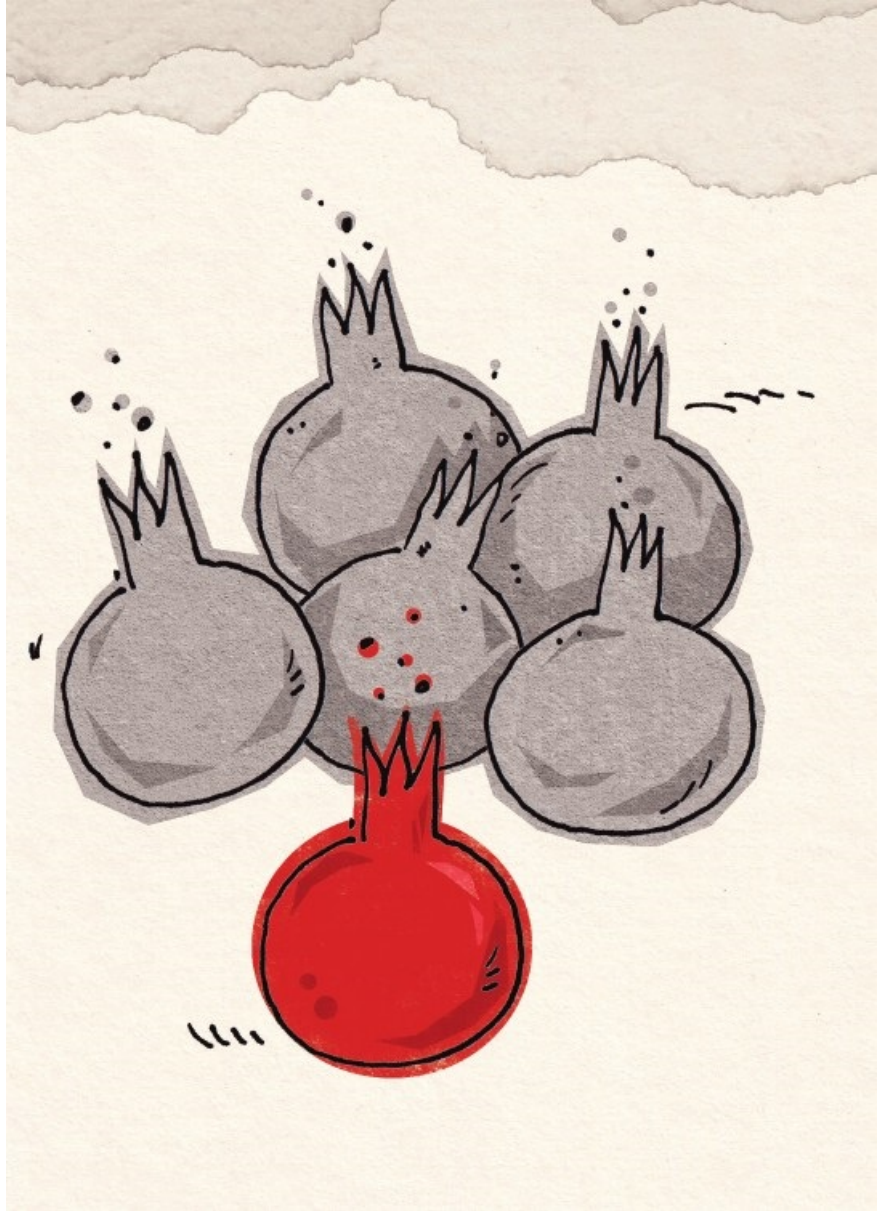
بشر و رحمتی برای خصوص مؤمنان آمده است. (۱)

ص: ۱۸

---

۱- . یونس: ۵۷.





مسابقات فوتبال با گزارش عرب ها را دیده اید؟ وقتی تیمی گل می زند، می گویند: «هدف! هدف! هدف!...».

دقیقاً به همین صورت و سه بار تکرار! مسابقه فوتبال و گزارشگری عرب ها بهترین نمونه است از چیزی که می خواهم بگویم؛ یعنی در این باره خیلی خوب کلمه را برای رساندن مفهوم شان انتخاب کرده اند.

بازیکنان فوتبال هدف شان از بازی کردن چیست؟ پول؟ شهرت؟! ...؟! نه!!! منظورم این چیزهای حاشیه ای نیست. منظورم این است که بازیکنان وقتی دارند بازی می کنند، معمولاً به دنبال چه چیزی هستند؟ گل زدن! معمولاً همه بازیکنان و مربی و... یک هدف دارند. اینکه توپ را وارد دروازه حریف کنند؛ یعنی هدف شان از بازی کردن این است که گل بزنند و با گل زدن بازی را ببرند.

بازیکنان وقتی هدف شان شد گل زدن، اگر به این هدف شان ایمان داشته باشند، تمام کارها و اعمال و رفتارشان در زمین را در خدمت همین هدف پیش می گیرند و اگر هدفشان این نباشد، کارهایشان در زمین در خدمت گل زدن نخواهد بود؛ یعنی وقتی هدفشان این است

که گل بزنند، به قوانین بازی عمل می کنند؛ چون می دانند اگر خطا کنند، داور خطا می گیرد و در نتیجه توپ هم به دروازه حریف نمی رسد تا گلش کنند و اگر هدفشان این نباشد، کارهایشان در زمین در خدمت گل زدن نخواهد بود؛ یعنی پشت سر هم خطا می کنند تا داور از بازی اخراجشان کند.

حالا بازی فوتبال را بگذارید کنار و بیایید به متن زندگی؛ عین اتفاقی که در بازی فوتبال می افتد، در زندگی هم می افتد. هدف ما از زندگی چیست؟ در زندگی به دنبال چه چیزی هستیم؟ هر هدفی را که ما برای زندگی مان معین کنیم و به آن ایمان پیدا کنیم، خود به خود روشی از زندگی کردن را به ما هدیه می دهد.

## پنجره

یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. ... باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد، پیش رفت. براساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (۱)

مثلاً وقتی کسی هدفش از زندگی، رفتن به بهشت باشد و مثل سلفی های تکفیری مجوز ورود به بهشت را کشتن شیعیان بدانند و به این مسئله

ص: ۲۲

ایمان داشته باشد، بر همان اساس هم زندگی می کند و ابعاد زندگی اش بر همان اساس نقش می شود! حاضر می شود برای رسیدن به این هدف، به کشور دیگری لشکرکشی کند و در جنگ های خیابانی شرکت کند! یا مثلاً اگر کسی هدفش از زندگی، رسیدن به مال و اموال زیاد از هر راهی باشد و به این هدفش هم ایمان داشته باشد، خود به خود بر همان اساس هم زندگی می کند و تمام ابعاد زندگی اش را براساس همان هدف نقش می کند. در زندگی اش از نزول و ربا استفاده می کند، در صورتی که فردی دیگر با ایمانی متفاوت، نزول و ربا را خطا و حرام می داند و آن را هرگز انجام نمی دهد؛ پس نوع زندگی آدم ها با توجه به هدف و ایمانشان تغییر می کند.

## پنجره

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

و جن ها و انسان ها را نیافریدم، مگر برای اینکه بندگی و عبادت کنند. (۱)

اگر می خواهیم براساس شیوه ای که اسلام پیشنهاد می دهد، زندگی کنیم، باید هدفمان از زندگی کردن، بندگی و رسیدن به رستگاری باشد و اگر به این هدف و به اینکه اسلام انسان ها را به رستگاری می رساند،

ص: ۲۳

ایمان داشته باشیم، آن وقت است که براساس شیوه ای که اسلام پیشنهاد می دهد، زندگی خواهیم کرد و این مسئله محقق نمی شود، مگر اینکه به زندگی و هدف از زندگی عمیقاً فکر کنیم.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ... حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ.

هیچ بنده ای حقیقت ایمانش را کامل نمی کند ... مگر اینکه در زندگی تدبیر نیکو داشته باشد. (۱)

این ها را گفتیم که برسیم به یک فرمول؛ فرمولی که زندگی کردن براساس اسلام را به ما تقدیم می کند.

## پنجره

«بندگی (هدف از زندگی) + ایمان به اینکه رستگاری در اسلام است = شیوه زندگی براساس اسلام»

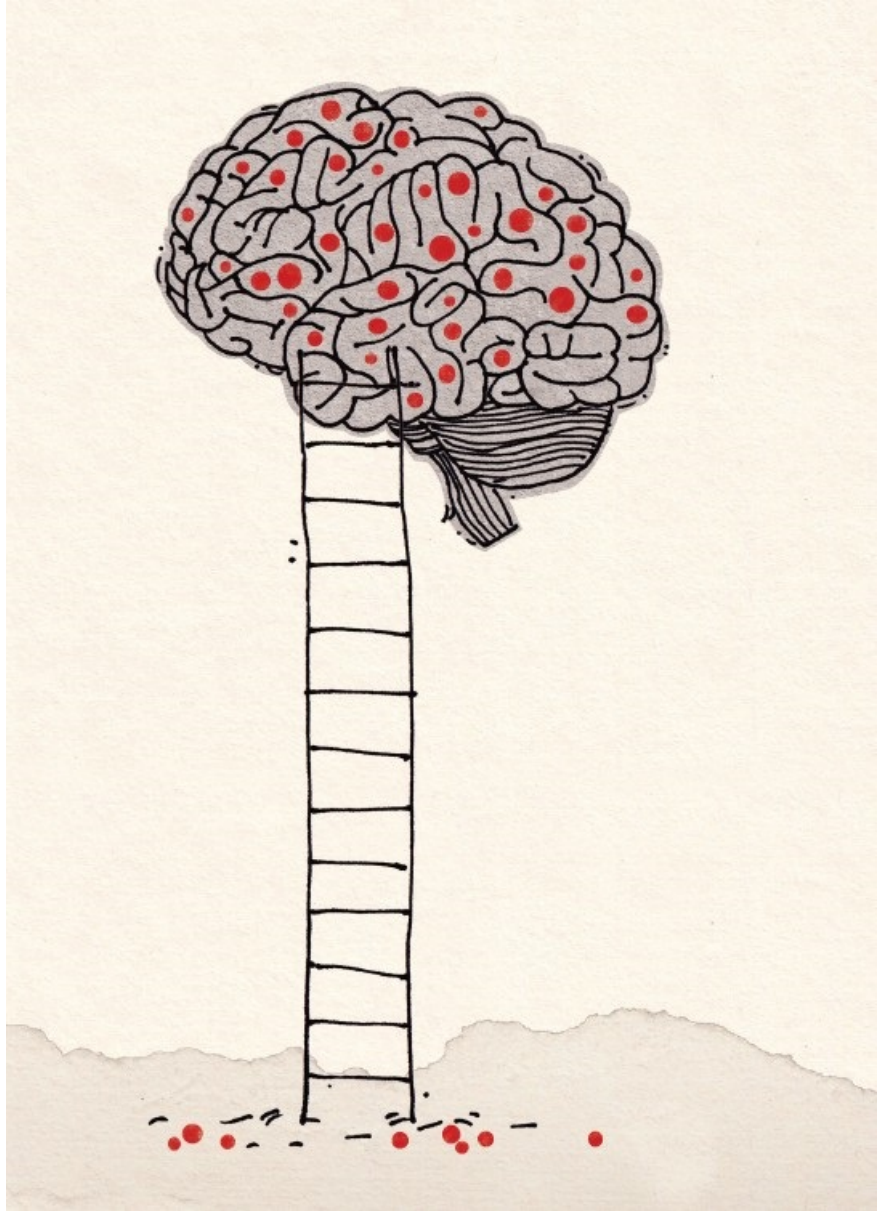
ص: ۲۴

وقتی مبنای زندگی مان را براساس این فرمول قرار دهیم، دیگر در تمام تکه های زندگی مان سعی می کنیم روش اسلام را در پیش بگیریم و مانند آن بازیکنانی که به خاطر گل زدن، تمام قوانین بازی را عمل می کردند، ما نیز به خاطر رسیدن به رستگاری، همه قوانین زندگی کردن براساس اسلام را عمل می کنیم تا اینکه روزی که به هدف زندگی مان و رستگاری می رسیم، گزارشگر زندگی مان بگوید: «هدف! هدف! هدف!»









کمی برویم به فضای کودکی مان! آنجا که مربوط به گریه کردن های زیاد به خاطر شکلات و پفک و تنقلات است و بزرگ ترهایی که نمی گذاشتند زیاده روی کنیم؛ چون می دانستند این زیاده روی کردن در خوردن تنقلات، برای سلامتی ما ضرر دارد. آن روزها شاید در دلمان از بزرگ ترهایمان بدمان می آمد که چرا نمی گذارند این کار را انجام دهیم و پیش خودمان و با عقل و شعورمان کاری که می خواستیم بکنیم را اشتباه نمی دانستیم. چرا آن زمان این عمل آنها را بد می دانستیم؛ ولی الآن که نگاه می کنیم، می بینیم کارشان کاملاً درست و برای حفظ سلامتی ما بوده است؟ چرا اکنون با کارشان موافق هستیم؛ اما در گذشته و در کودکی دلیل موجهی برای کارشان پیدا نمی کردیم؟ چه چیزی عوض شده و تغییر کرده است؟

یک جایی از مغز هست که دانش و اطلاعات در آن ذخیره می شود. ظاهراً این نقطه از مغز همان سلول های خاکستری است؛ نردبانی که ما با آن سروکار داریم، همین سلول ها هستند. اکنون چیزی که باعث تغییر رویکرد ما در قضاوت در خصوص عمل بزرگ ترها شده است، همین

سلول‌ها و همین نردبان خاکستری است. الآن که سلول خاکستری مان را از دانش پُر کرده ایم و فهم مان بیشتر شده است، دلیل و فلسفه کار بزرگ ترهامان را در منع ما از خوردن زیادی تنقلات، می فهمیم و این یک قانون ساده است که هرچه انسان دانش صحیحش بیشتر باشد، رویکردش نسبت به مسائل تغییر می کند.

علم و دانش، همان نردبان خاکستری است؛ نردبانی به اندازه یک سلول یا کوچک تر از آن که هرچه دانش و فهم صحیح بیشتری درون آن ذخیره شود، ما را بالاتر می برد.

## پنجره

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ.

خدای متعال مؤمنان را به یک درجه و عالمان را به چند درجه برتری داده است. (۱)

مادری را فرض کنید که در تربیت فرزندش دچار مشکل است؛ وقتی دانش و فهم تربیتی خود را فرضاً از راه مطالعه بالاتر می برد و می فهمد برخورد خشن گاهی در تربیت فرزند تأثیر عکس دارد، رفتارش عوض می شود و همین دانشش باعث می شود برخوردش را با

ص: ۳۰

فرزندش عوض کند، یا فرضاً مردی که می داند فلان مواد غذایی چه فایده ای در سلامتی دارد، نوع نگاه و استفاده اش از آن مواد غذایی تغییر می کند و سعی دارد در خانواده بیشتر از آن ماده استفاده کنند و دقیقاً برعکس این هم هست؛ کسی که دانش اشتباهی در برخورد و تعامل با فرزندش دارد، رفتارش بر پایه آن دانش شکل می گیرد و به دلیل دانش اشتباه و رفتار نادرستش، فاصله و شکاف میان او و فرزندش بیشتر می شود؛ پس شکی نیست که میزان دانش و اطلاعات صحیح ما در نوع رفتار، منش و زندگی ما تأثیر مستقیم دارد، پس ما باید تا می توانیم، دانش صحیحمان را افزایش دهیم و قدم گذاشتنمان در هر کاری از روی فکر، اندیشه و علم باشد. (۱) این یک طرف ماجراست، مسئله یک طرف دیگر هم دارد و آن اینکه آن دانش وقتی کار می کند که در فرمول زیر قرار گیرد:

## پنجره

«آیا + کاری که می خواهم انجام بدهم + مایه رشد و هدایت می شود؟» (۲)

ص: ۳۱

---

۱- رسول خدا می فرمایند: هرگاه خواستی کاری انجام بدهی، از روی دانش و فکر انجام بده و از کار بدون دانش و فکر دوری کن (مکارم الأخلاق، ص ۴۵۸).

۲- پیامبر می فرمایند: هرگاه خواستی کاری را انجام بدهی، درباره نتیجه آن فکر کن؛ اگر مایه رشد و هدایت بود، انجامش بده و اگر مایه گمراهی ات بود، آن را انجام نده (اصول کافی، ج ۸، ص ۱۵۰).

مثلاً در زمینه اقتصادی، دانشی کسب کرده ام و می خواهم از آن دانش استفاده کنم. توجه به این دانش و ارتباطش با رشد، هدایت و آخرت انسان مهم است. انسان مؤمن در همه کارهایش رشد و هدایت و آخرتش را لحاظ می کند؛ پس لازم است فرمول را روی کاری که می خواهم انجام بدهم، پیاده کنم:

آیا + شرکتم در فلان پروژه اقتصادی (= کاری که می خواهم انجام بدهم) + مایه رشد و هدایتم می شود؟

اگر پاسخ به دست آمده مثبت بود، آن کار را انجام می دهم و اگر پاسخ منفی بود، انجام نمی دهم! همه کارها و دانش اندوژی ها و فعالیت هایی که در این دنیا انجام می دهیم و تک تک جزئیات زندگی اگر در این فرمول قرار بگیرند، باران رحمت خدا بر زندگی می بارد و رنگ زندگی رنگین کمائی می شود و ریشه این فرمول دقیقاً ریشه اش اشاره به استعداد عظیمی دارد که خداوند برای تفکر در انسان قرار داده است؛ چراکه اگر این استعداد نبود، اساساً نمی شد به این فرمول عمل کرد؛ چون وقتی کسی استعداد اندیشیدن ندارد، نمی تواند درباره کارهایش فکر کند.

## پنجره

ما آحاد بشر، برای اندیشیدن، استعداد عظیمی در خود نهفته داریم. وقتی فکر نمی کنیم، وقتی مطالعه نمی کنیم، وقتی در آیات الهی تدبر نمی کنیم... از آن گنجینه معنوی که خدا در

ما قرار داده است، محروم می مانیم. (۱)

وقتی به نتیجه ای که از فکر کردن در امور زندگی و عمل به مسائلی که برای ما رشد و هدایت است فکر کنیم، کم کم می فهمیم چرا عبادت واقعی، تفکر کردن در کار خداوند است؛ زیرا نتیجه این تفکر کردن در زندگی انسان نمایان می شود و وقتی انسان در کارها و فعالیت هاش و در کار خداوند به صورت واقعی تفکر می کند، آنچه برایش خوب است و آنچه خوب نیست را تشخیص می دهد و اگر به دنبال هدایت باشد، به دنبال عمل به کاری می رود که مایه رشد اوست و همین دلیل می شود تا نماز و روزه و کارهای عبادی دیگرش هم رنگ جدیدی بگیرند.

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست. عبادت «واقعی» تفکر در کار خدای جلیل است. (۲)

ص: ۳۳

---

۱- .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۹/۳/۱۳۹۱.

۲- .اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹.



استفاده از این فرمول، سختی خودش را دارد و انسان در خیلی موارد باید با دلش مبارزه کند؛ مثلاً می‌داند فلان کاری که انجام می‌دهد، مایه رشد و هدایتش نیست و در آخرش هیچ تأثیری ندارد؛ ولی دلش راضی نمی‌شود آن کار را انجام ندهد. اما این سختی کشیدن‌ها خوب است؛ مثل سختی خانواده‌ای که به خاطر خرید خانه‌ای بزرگ تر و آسایش بیشتر، وام گرفته‌اند و حالا لازم است برای دادن اقساط آن بیشتر کار کنند. آن خانواده این سختی را به جان می‌خورد، به خاطر رفتن در خانه‌ای بزرگ تر و بهتر. حالا ما هم سختی عمل به این فرمول را تحمل می‌کنیم، به خاطر آنکه روزی که در مقابل خدا قرار می‌گیریم، سرمان بالا باشد و خدا هم یک نردبان بزرگ بگذارد جلویمان تا از آن بالا برویم؛ تا انتهای آسمان، تا خودش.



می خواهیم به جنگ بروم!

فصل چهارم



بعضی از آدم‌ها در جنگ‌های سخت و جهاد که با جان، سلاح، تیر، ترکش و... سروکار داشته و دارند، اما برخی آدم‌های عصر حاضر زیاد حال و حوصله کار کردن ندارند! آدم‌هایی که همیشه خسته هستند، یک جورهایی کار مفیدشان در روز به بیست دقیقه هم نمی‌رسد؛ صبح‌ها که معمولاً دیر به سر کار می‌روند، اگر هم سر وقت بروند، معمولاً چند ساعتی طول می‌کشد تا حوصله کار کردن پیدا کنند. اگر کارشان اداری باشد، معمولاً سیستم جالب‌تری دارند و حرف زدن در مورد مسائل کشور، اداره و... بیشترین زمان کاری‌شان را دربرمی‌گیرد و در نهایت هم در پایان ماه، مزد این تلاش فراوانشان! در این دنیا را می‌گیرند و در آخرت هم مزد دیگری در انتظارشان خواهد بود. به هر حال، انسان دیر یا زود تلاشش را دریافت می‌کند و این مطلب سوخت و سوز ندارد.

### پنجره

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.

و البته انسان فقط مزد کار و کوشش خود را دریافت می‌کند. (۱)

ص: ۳۷

حالا این دو دسته را بگذارید کنار همدیگر! دسته ای که در جهاد و جنگ و مبارزه با دشمن شرکت می کنند و چقدر سختی کشیده اند و دسته ای که حال و حوصله کار کردن به اندازه یک انسان عادی ندارند و یک جورهایی توقع دارند بدون ذره ای کار کردن، ماهانه پولی بگذارند کف دستشان و البته که گرفتن این پول را حق مسلم خود می دانند! چه تفاوت بزرگی دارند با هم، این طور نیست؟! اما همین آدم هایی که زیاد حال و حوصله کار کردن ندارند هم ممکن است مثل خیلی های دیگر در آرزوی جهاد باشند؛ یعنی درست است که زیاد حوصله کار کردن ندارند؛ ولی به هر حال آدم های خوبی هستند و اگر لازم شود، حاضرند جانشان را بگیرند کف دستشان و بروند به جنگ مشرکان، کافران و متجاوزان به حریم اسلامی! ولی به هر حال، بی حوصله هستند و متأسفانه حواسشان نیست که این تنبلی و بی حوصلگی ایشان را از راه کمال بازمی دارد.

## پنجره

«از جمله موانع دیگری که انسان را از راه کمال بازمی دارد، تنبلی، تن پروری، بی اعتنایی به کار و بی شوقی نسبت به حرکت است.» (۱)

ص: ۳۸

---

۱- .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۵/۱/۱۳۷۰.

حالا می‌خواهم به آن آدم‌هایی که حال و حوصله کارکردن ندارند، راهی پیشنهاد کنم که اجرش بیشتر از مجاهدان در جبهه‌های جنگ سخت باشد؛ ولی توپ و تیر و ترکش نداشته باشد! آن‌ها که در آرزوی جهاد بودند، اگر آن روزها نبودند تا در جنگ سخت شرکت کنند، امروز کاری انجام دهند که از شرکت در جنگ سخت، بیشتر باشد! این پیشنهاد استفاده از فرمول زیر است:

## پنجره

«ما + کار و تلاش برای روزی حلال = اجری بیشتر از جهاد در راه خدا»

باورتان نمی‌شود؟! ولی واقعیت دارد؛ اسلام با تنبلی و کار نکردن مخالف است و این را هم باعث ضرر به دین می‌داند و هم باعث زیان دنیوی، (۱) بعد برای اینکه انسان‌ها تشویق شوند به کار کردن، جدای از اجر و مزدی که خداوند برای این کار تعیین کرده است، برترین اولیای خودش را الگوی کار و کارگری قرار داده است. (۲) کار کردن سیره همه ائمه و اولیا و

ص: ۳۹

- 
- ۱- امام باقر می‌فرمایند: تنبلی و کسالت، هم به دین ضرر می‌رساند و هم به دنیا (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۰).
  - ۲- امام صادق وقتی با بیل در باغشان مشغول کار بوده‌اند و عرق می‌ریخته‌اند، در پاسخ به فردی که تمایل داشته به جای ایشان کار کند، می‌فرمایند: من دوست دارم انسان در گرمای سخت آفتاب برای تأمین نیازهای زندگی اش سختی و رنج بکشد (بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۷).

بزرگان دین بوده است. چرا آن‌ها این سیره را در پیش می‌گرفته‌اند؟! جز برای اینکه دیگران هم یاد بگیرند که کارکردن و تنبلی نکردن و حاصل دسترنج خود را خوردن، جهاد است؟ که واقعاً هم جهاد است. واقعاً مبارزه کردن با تنبلی، بی‌کاری و بی‌حوصلگی جهاد است. انصافاً هم کار سختی است و روح انسان را بزرگ می‌کند، این کار و تلاش؛ ولی همین که آدم به تغییری که در زندگی‌اش با استفاده کردن از فرمول رخ می‌دهد، فکر کند و اجر و مزدی که خدا برای این کار قرار داده است، نیرو می‌گیرد برای کارکردن. حیف است آدم چنین موقعیت بزرگی را ساده از دست بدهد؛ آدم‌هایی که زیاد غصه می‌خورند که چرا در جنگ سخت نبوده‌اند؛ این شما و این هم اجری بیشتر از جهاد، بسم الله ...

## پنجره

امام رضا می‌فرمایند:

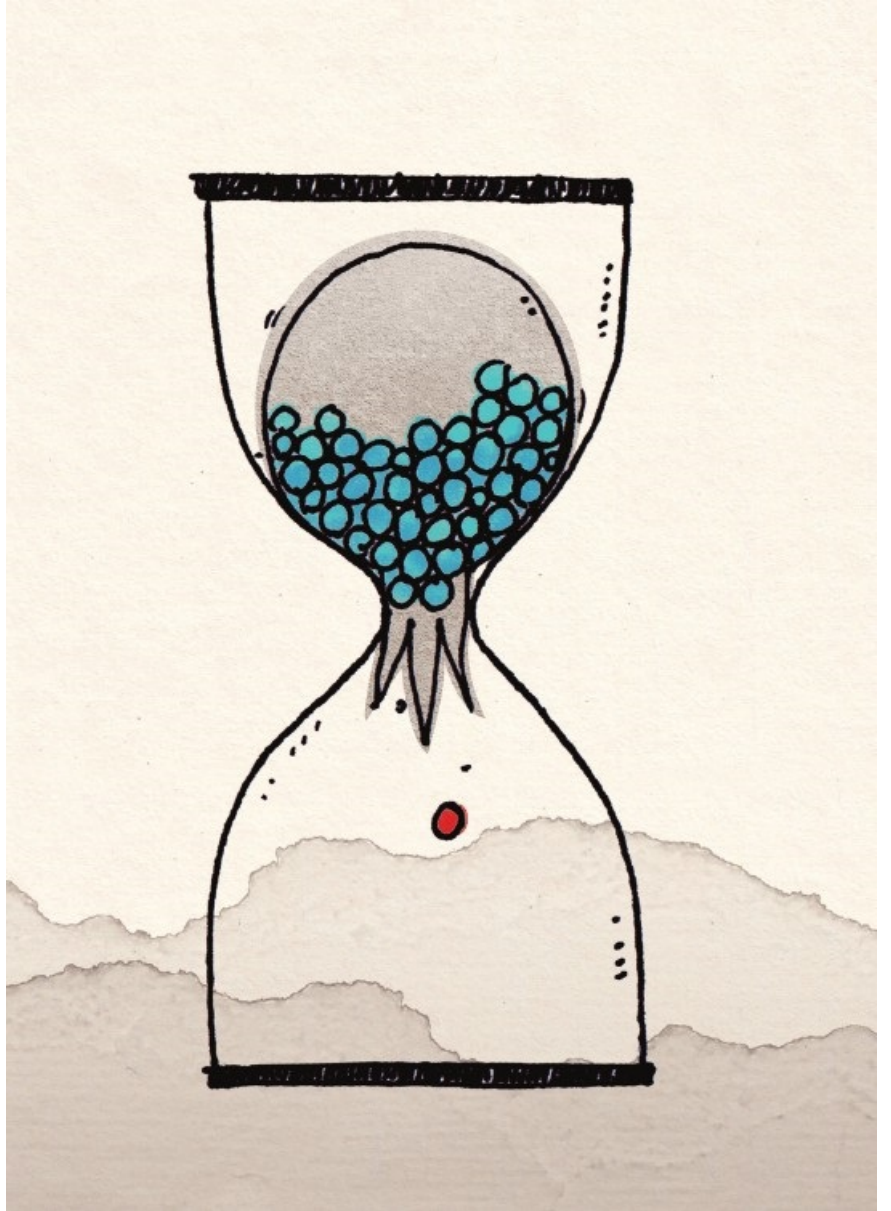
الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ مَا يَكْفِيهِ بِهٖ عِيَالَهُ أَكْبَرُ مِنْ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

کسی که (با کار و تلاش) در جست‌وجوی نیازهای زندگی برای تأمین خانواده است، پاداشی بزرگ‌تر از مجاهدان راه خدا دارد. (۱)

ص: ۴۰







مفاتیح الجنان تألیف شیخ عباس قمی که پُر است از دعا و اعمال و زیارت، همان که معمولاً در ماه های رمضان بیشتر از مواقع دیگر سال از آن استفاده می کنیم.

این کتاب یک قسمت خیلی جالب به نام تلقین میّت دارد که لازم است هر انسانی حتی اگر شده برای یک بار آن را بخواند. قسمت تلقین میّت را از مفاتیح الجنان پیدا کنید و به جای فلان ابن فلان، اسم خودتان و پدرتان را بگذارید. فلان ابن فلان یعنی فلانی پسر فلانی! پس باید جای فلان اول، نام خودتان را بگذارید و جای فلان دوم، نام پدرتان را؛ مثلاً حسین اگر نام خودتان باشد و عبدالرسول نام پدرتان، فلان ابن فلان می شود: حسین ابن عبدالرسول!

تجربه اش کنید! وقتی قسمت تلقین میّت مفاتیح الجنان را می خوانید، انگار فرشته ای می آید پیشتان، روبه رویتان می نشیند و به چشمان تان خیره می شود، بعد آرام در گوشتان می گوید: «به زودی نوبت تو می رسد، آماده ای؟!».

حالا یک نفس عمیق بکشید، می خواهیم از راز فرمولی رونمایی

کنیم که اگر آن را اجرا کنیم فضای زندگی مان به کلی عوض می شود؛ آن فرمول این است:

## پنجره

«آخرین + کار خوبی که می خواهم انجام بدهم»

یعنی هر کار خوبی که می خواهید انجام بدهید، یک کلمه «آخرین» به اولش اضافه کنید؛ مثلاً اگر می خواهید برای به دست آوردن روزی حلال به محل کارتان بروید، یک آخرین به آن اضافه کنید؛ یعنی مثلاً «آخرین + سرکار رفتن = آخرین سرکار رفتن»، یا اینکه اگر می خواهید برای همسرتان هدیه بخرید، اگر یک کلمه آخرین به آن اضافه کنید، می شود: «آخرین + هدیه خریدن = آخرین هدیه خریدن» و به همین ترتیب: «آخرین + نماز = آخرین نماز»، «آخرین + پذیرایی از مهمان = آخرین پذیرایی از مهمان» و... چرا این فرمول؟

هیچ کس از اینکه چند سال، چند ماه، چند هفته، چند روز، چند دقیقه یا چند ثانیه دیگر در این دنیا باشد و زنده باشد، خبر ندارد، برای همین انسان هر کار خوبی که می کند، باید فکر کند این آخرین باری است که می تواند آن کار را انجام بدهد و این یادکردن از مرگ باعث

می شود انسان بر انجام اعمال خوب تشویق شود. (۱)

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

أَنَّ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

به درستی که «از» بهترین و برترین عبادت «ها» یاد کردن، از مرگ «و به فکر مرگ بودن» است. (۲)

وقتی آدم فکر رفتن در سر داشته باشد، انگار نوع زندگی اش عوض می شود. رفتارهایش، حرف هایش، توجهش به دیگران، توجهش به خدا و... همه و همه تغییر می کند. وقتی فکر کند این آخرین باری است که می تواند به همسر و فرزند و خانواده و دوستش محبت کند، محبت کردنش رنگ دیگری می گیرد. وقتی فکر کند این نمازی که می خواند، آخرین نماز زندگی اش است، نماز خواندنش رنگ دیگری می گیرد و به این فکر می کند که خدایش را عبادت کند تا زمانی که مرگ او را فرامی گیرد:

ص: ۴۵

---

۱- . امام صادق می فرمایند: مرگ و تنهایی قبر را یاد آور! روزی را یاد کن که چشم هایت از حدقه درآمده، بر گونه ات می افتد و بندبند بدنت از یکدیگر جدا می شوند و کرم ها گوشت بدنت را می خورند و از دنیا بریده می شوی. یاد کردن از این مطالب تو را بر عمل تشویق می کند و از حرص دنیا بازمی دارد (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۶).

۲- . بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۷.

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ.

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) فرا برسد. (۱)

اگر انسان این فرمول را اجرا کند، نوع زندگی اش جووری می شود که همیشه آمادگی رفتن را دارد. همیشه منتظر است و همیشه سعی می کند کارها را به بهترین شکل ممکن انجام دهد؛ مثل آدمی که قرار است برایش مهمان بیاید و نمی داند مهمانش صبح می رسد یا عصر؛ آن وقت در تمام طول روز، خود و خانه اش را آراسته نگه می دارد شاید که مهمانش از راه برسد.

چشمانتان را ببندید و زندگی تان را تصور کنید، در حالی که از این فرمول استفاده کرده اید، چه تغییری می بینید؟ رفتارتان چگونه می شود؟ نگاهتان به زندگی، به وقت و ساعت؟ به آدم های اطرافتان؟ بعد از اجرای این فرمول، چگونه زندگی خواهید کرد؟ دیگر با همسر و فرزندان، با پدر و مادرتان، با همکارانتان و با باقی آدم ها، با بدی رفتار می کنید؟ یا اینکه می گذارید خاطره ای خوب از آخرین دیدارشان با شما در دلشان نقش ببندد؟

ص: ۴۶

یکی از کارهای شیطان و نفس آدم این است که مرگ و رفتن از این دنیا را برای انسان، دور نشان می دهد و باعث می شود انسان کارهای خوبی که می تواند انجام دهد را به آینده و روزهای بعد و سال های بعد موکول کند. اگر انسان بداند قرار است به زودی از این دنیا برود، دیگر در توبه کردن، در عمل به دستورات خدا و در محبت کردن به دیگران تأخیری نمی اندازد:

## پنجره

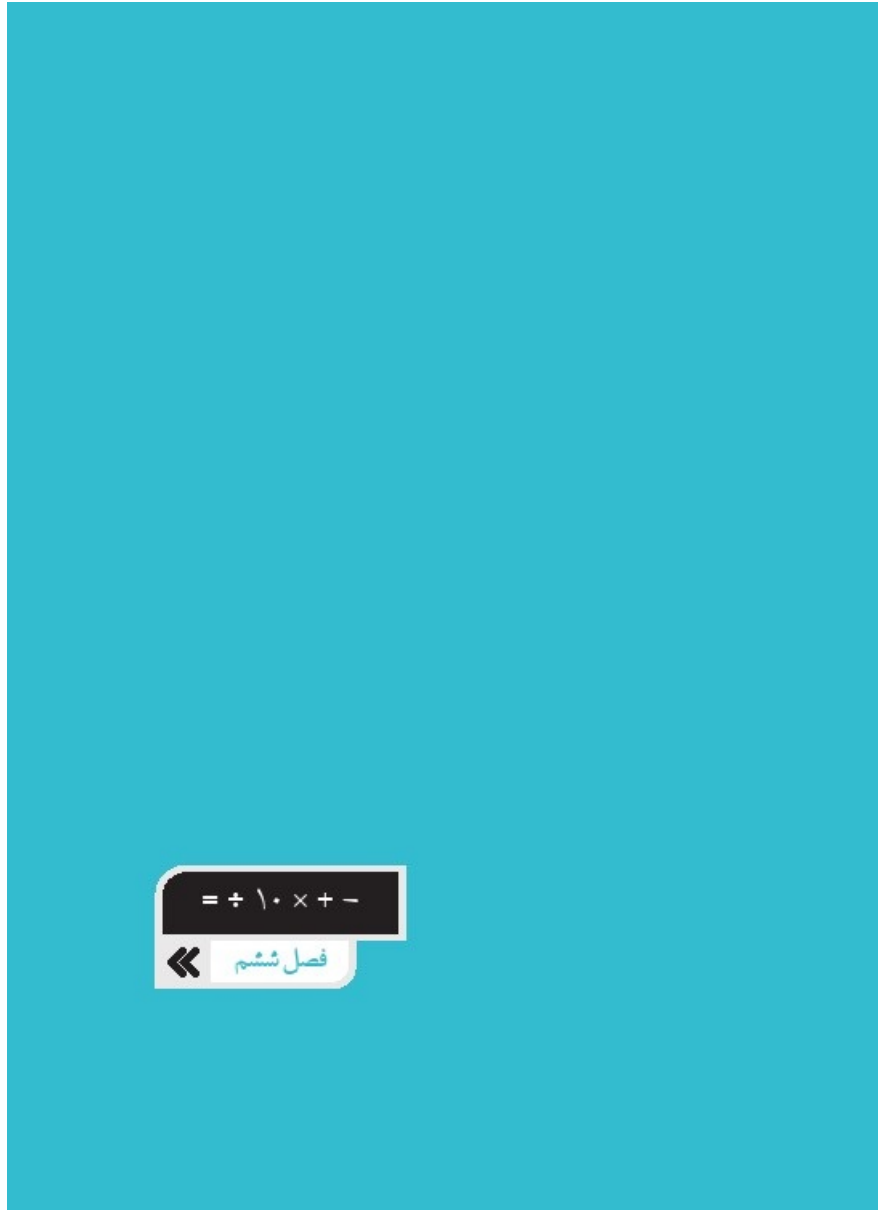
بعضی ها دعا و عبادت و توبه را می گذارند برای دوران پیری؛ این اشتباه بزرگی است. اگر گفته شود توبه کنید، می گویند حالا وقت داریم ... معلوم نیست وقت داشته باشیم؛ مرگ انسان را مطلع نمی کند؛ برای همه سنین هم است. (۱)

دوست دارم این فرمول را از امروز برای همیشه در زندگی ام اجرا کنم. دوست دارم رنگ زندگی ام را تغییر دهم، به روزی فکر می کنم که وقتی تلقین میت را از مفاتیح الجنان می خوانم، روبه روی آن فرشته بنشینم و به چشمانش خیره شوم، بعد آرام در گوشش بگویم: «بله! ... آماده ام ... بگو بیایند و ببرند ...».

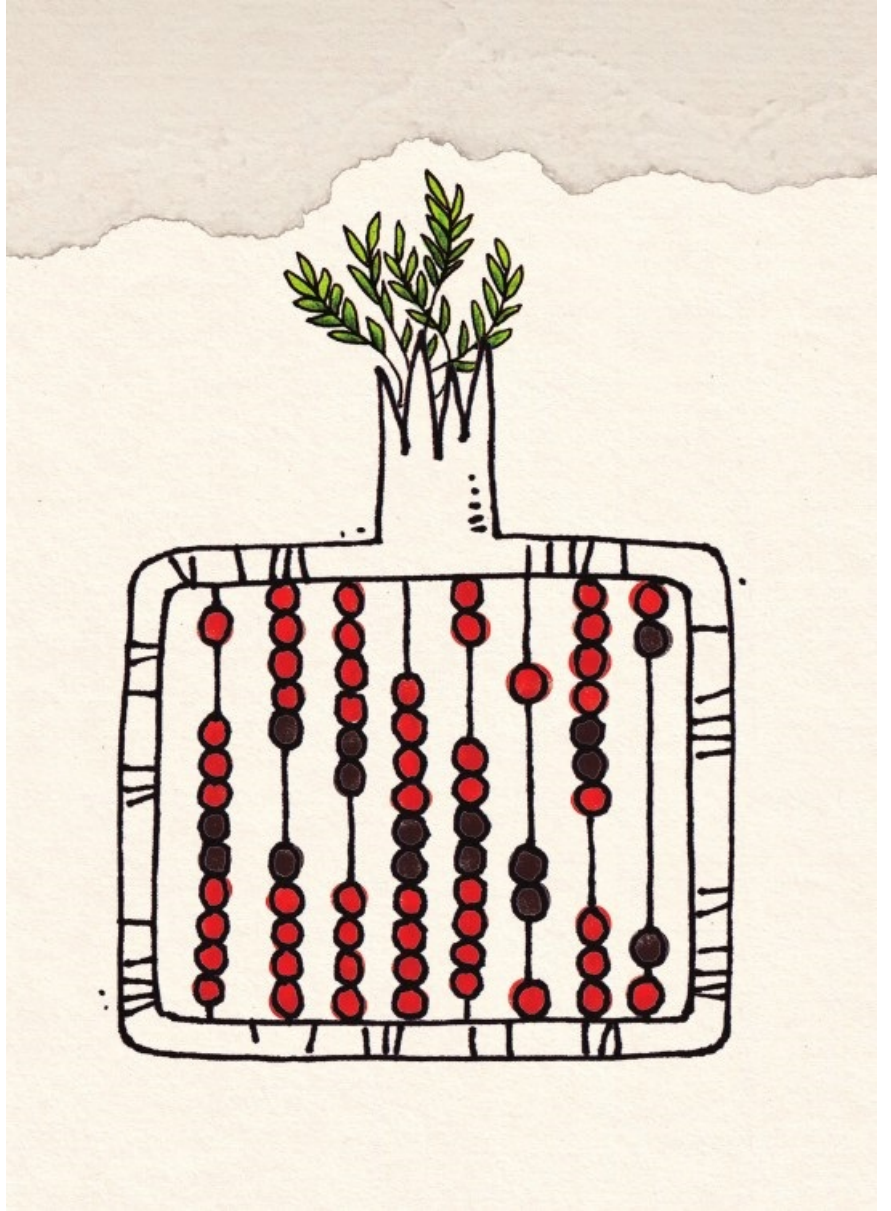
بعد آرام یک چشمک به آن فرشته بزنم.

ص: ۴۷









تعجب نکنید این علامت ها به اشتباه نقش نشده اند! هرکسی که کمی با ریاضی و آمار و ارقام سروکار داشته باشد، این علامت ها را می شناسد و در روز بارها و بارها از این علامت ها استفاده می کند تا به وسیله این علامت ها به امور آمار و ارقامی و حساب و کتابش برسد.

معمولاً وقتی آخر سال می شود، بانک ها، شرکت ها، ادارات و مؤسساتی که با پول و سرمایه مالی سروکار دارند، میزان گردش سرمایه و سود و زیانشان را بررسی می کنند. یا اینکه مثلاً دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، عملکرد یکساله خود و پیشرفت یا پسرفت علمی مؤسسه و دانشجویانشان را مورد بررسی قرار می دهند و به نوعی همه مردم از کاسب و مدیر و دانشجو گرفته تا ورزشکار و مهندس و پزشک، وقت و زمانی را برای محاسبه عملکرد یکساله خود قرار می دهند.

ماه های آخر سال، استفاده از « $+$ »، « $-$ »، « $\times$ » و « $\div$ » به اوج خودش می رسد. هرچه این علامت ها در طول سال، گوشه ای خاک خورده باشند، آخر سال آنقدر برای حساب و کتاب بالا و پایین می شوند که جایگزین تمام خاک خوردگی هایشان شود.

این محاسبه ها مال آخر سال است؛ ولی یک کاسب خوب و یک بازاری موفق و هوشمند، به جای آخر سال هر روز با این علامت ها سروکار دارد و هر روز کارش محاسبه است. میزان فروش روزانه، بدهی ها، میزان اجناس موجود در انبار، چک های پاس شده، برگشت خورده و... همه را هر روز و در انتهای کار روزانه اش محاسبه می کند و حواسش به تک تک ریال های خرج شده هست. در میان این محاسبه ها یک چیزی هست که کسی حواسش به آن نیست؛ یک چیز هست که از آن گوشه ما را نگاه می کند و منتظر است که این علامت ها را برایش به کار بگیریم؛ اما ...

اما کسی نگاهش نمی کند و دیده نمی شود ...

عُمر و نَفَس ...

## پنجره

علمای سلوک و اخلاق، محاسبه را یکی از نخستین وظایف سالک دانسته اند، برای این است که ما دائم در حال خواندن نامه عمل خودمان باشیم و در روزی که این نامه اعمال خوانده خواهد شد، غافلگیر نشویم. قبل از اینکه نامه اعمال ما در پیشگاه الهی مورد محاسبه و مطالعه قرار بگیرد، خود ما بخوانیم. اگر کمبودی هست، اصلاح کنیم. اگر نقطه قوتی در

ص: ۵۲

آن هست، خدا را بر آن سپاس بگزاریم. (۱)

پول و ضرر و زیان مالی را معمولاً می شود جبران کرد و حتی اگر به قدری زیاد باشد که نشود جبران کرد، افسوسش به اندازه از دست دادن عمر و زمان و وقت نیست. از دست رفتن عمر و زمان و وقت را چه چیزی می تواند جبران کند؟! ما مثل کسی می مانیم که سرمایه فراوانی گذاشته است برای یک کار اقتصادی و اصلاً عین خیالش هم نیست که روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه این سرمایه دارد چه می شود! به میزانی که خرج می شود، چه بازدهی دارد؟ این نفس ها که می کشیم و این لحظه ها که از دست می دهیم، دارد صرف چه چیزی می شود؟!

## پنجره

امام رضا می فرمایند:

لَيْسَ مِنَّْا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ.

از ما نیست کسی که هر روز به حساب نفس خود نرسد؛ پس اگر کار خوبی انجام داده بود، خدا را شکر کند و از خدا بخواهد

ص: ۵۳

---

۱- . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۸/۳/۱۳۸۶.

آن کار را بیشتر و بهتر بتواند انجام دهد و اگر کار بدی انجام داده بود، استغفار و توبه نماید. (۱)

لازم است مثل آن کاسب های هوشمند بازار، محاسبه را در وجودمان گرم کنیم و ما هم علامت - و + و × و = و ÷ را به کار بگیریم و حساب کنیم ... اعمال خوب یا بد؟ زمان و عمر صرف چه چیزی شده است؟! چه کرده ایم؟ چقدر از وقتمان تلف شده است؟ چقدر از وقتمان صرف نزدیک شدن به خدا شده است؟ چقدر از وقت مان در کنار خانواده بوده ایم و ... .

فرمول محاسبه نفس همین است:

### پنجره

«- + × ۱۰ ÷ =»

اعمال بدمان را از عمرمان باید «-» کنیم، اعمال خوبمان را «+» کنیم و بعد چون خدا به شهادت قرآن هر کار خوب را ده برابر می کند، آن را ضرب کنیم در ۱۰ و بعد از «÷» استفاده کنیم و عمر از دست رفته مان را در مقایسه با اعمالمان در نظر بگیریم که در ازای این اعمال چقدر از وقت و زمان و عمرمان رفته است؟ و در نهایت از «=» استفاده کنیم و نتیجه بگیریم

ص: ۵۴

---

۱- . مشکاها لآنوار، ص ۲۴۷.

که چه کرده ایم.

## پنجره

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا.

هرکس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هرکس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد. (۱)

آدم ها گاهی حواسشان نیست که این گوهر گرانبهای زمان و عُمر، بیش از هرچیز دیگری نیازمند محاسبه است و آدم اگر کمی دقت کند و حواسش را جمع کند، وقت محاسبه کردن عمرش بین دو سؤال می ماند و نمی داند کدام یک از آنها درست هستند:

«آیا هر روز و هر ساعتی که از زندگی مان می گذرد، به عُمرمان اضافه می شود؟» یا «هر روز و هر ساعت که از زندگی مان می گذرد، زمانی از عُمرمان کم می شود؟!».

ص: ۵۵

"روایتی از روح" تمام می شود و "تو" رفتار صحیح با روح را فهمیده ای .

ابتدا سعی می کنی روح را با دوری از گناه سالم نگه داری و سپس با عبادت خداوند ، تحصیل علم و دانش ، کار و تلاش ، یاد کردن از مرگ و محاسبه کارها و رفتارهایت هرچه بیشتر و بیشتر روح را بزرگ می کنی .

۱- آداب روزه داری ؛ احوال روزه داران از منظر رهبر انقلاب .

تنظیم : علیرضا مختارپور ، انتشارات انقلاب اسلامی

۲- انسان کامل . مرتضی مطهری . انتشارات صدرا

۳- چرا زندگی می کنم ؟ . مجموعه رهنما جلد ۸۷ محمدباقر پورامینی ، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی

۴- رهایی از تکبر پنهان . علیرضا پناهیان . انتشارت بیان معنوی .

ص: ۵۷



## مجموعه یک صد جلدی کتابچه های رهنما



مرکز پخش : مشهد مقدس، حرم مطهر، نبش باب الجواد علیه السلام، فروشگاه عرضه محصولات رضوی  
تلفن : ۰۵۱-۳۲۲۸۵۲۰۴

## لوح فشرده کتابچه‌های رهنما (نسخه ۲)



مرکز پخش : مشهد مقدس، حرم مطهر، نبش باب الجواد علیه السلام، فروشگاه عرضه محصولات رضوی  
تلفن : ۰۵۱-۲۲۲۸۵۲۰۴

## نسخه ویژه تلفن همراه کتابچه‌های رهنما (نسخه ۲)



محل دریافت:

- حرم مطهر، مرکز پاسخگویی به سوالات دینی استان قم رضوی (مدرسه پریناد)
- وب‌سایت‌های مستقر در حرم مطهر

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

